

زیر فشار کلیساها

<?xml encoding="UTF-8">

در دو مورد، در طرح اساسنامه پیمان اروپا، اصول لایبیک به چالش کشیده شده اند: شناسایی «میراث مذهبی» اروپا، در دیباچه آن، و ماده 51 که نقش مشارکت مذاهب مختلف در نهادهای اروپایی را به رسمیت شناخته است.

این بدعت ها- که باعث ابراز مخالفت هایی از جانب نمایندگان پارلمان اروپا شده و دولت های عضو را دچار تفرقه کرده (1) - تا اندازه ای حاصل فعالیت لابی های انجمن های مذهبی و بخصوص کاتولیک در درون نهادهای اروپایی هستند. این جا، هدف پذیراندن وجود بعد مذهبی در ساختار اروپا و از این راه اعطای حق نظارت بر جهت گیری های عمومی اتحادیه به کلیساها است. این لابی گری پس از برگزاری کنفرانس های سازمان ملل در باره ی جمعیت و توسعه (1994) در قاهره و در باره ی حقوق زنان (1995) در پکن، یعنی موضوعاتی که در صدردغدغه های کلیساها قرار دارند، شدت بیشتری پیدا کرد.

واتیکان ، يك لابی رسمی

واتیکان به دلیل بعد دوگانه اش در مقام دولت و نیز ریاست کلیسای کاتولیک در نوك این پیکار قرار گرفته است. پاپ ژان پل دوم، از همان سال 1988، طی سخنرانی خود در پارلمان اروپا، به نمایندگان هشدار می داد که مبحث مسیحیت را از گفتگوهای عمومی در سطح اروپا خارج نکنند. این سخنرانی يك اعلام خطر واقعی بود. او چنین گفت: « رسالت مسیحیت اعلام حضور در تمامی عرصه های وجود است. بنابراین وظیفه ی خود می دانم برای نکته تأکید کنم که: چنانچه روزی بنیادهای مذهبی و مسیحی این قاره مورد تردید قرار بگیرند و به يك باره هر گونه استنادی به اخلاقیات کنار گذاشته شود، در آن صورت، دامنه ی نتایج حاصل به مراتب فراتر از به دور ریختن میراث اروپا خواهد بود. (2) » یا ما، یا هرج و مرج! یا ما، یا آخرالزمان! تبدیل مسیحیت به سر رشته ی وحدت بخش و سازمان دهنده ی سیاست و افکار عمومی در اروپا! این همان چیزی است که برای جمعی از کاتولیک ها به يك وسوسه ی بیمارگونه ی واقعی تبدیل شده است.

بارگاه مقدس (واتیکان) عضو اتحادیه ی اروپا نیست و تنها در مقام ناظر در آن حضور می یابد. حتّا به طور جدّی هم به عضویت در آن نمی اندیشد. چون در آن صورت مجبورخواهد شد به مصالحه های سیاسی تن در دهد و این چیزی است که، با توجه به برداشتی که از قدرت معنوی دارد، قاطعانه مردود می شمارد. با این همه، بارگاه مقدس تلاش بی مانندی به خرج می دهد تا بلکه اتحادیه ی اروپا، کلیسای کاتولیک را به مثابه ی تنها انجمن مذهبی کامل به رسمیت بشناسد تا از این راه بتواند سایر ادیان را از دور رقابت خارج کند. اما از نظر مالی تا اندازه ای در آن ادغام یافته، به این صورت که در میان تعدادی از دولت های عضو از موقعیت ویژه ای برخوردار است و از آنها کمک ها و یارانه ها یی دریافت می کند (3). الویت، از دید بارگاه مقدس، تلاش در جهت تحمیل فلسفه «جوامع کامل» "societas perfectae" در سطح اتحادیه ی اروپا است: اصول اعلام شده کلیسا می بایستی بر مناسبات میان قدرت همگانی و جهانف جویایف اتحاد، حاکم باشند (4).

در ماه مارس 1996، در جریان تدارك پیمان آمستردام، یادداشتی در اختیار سفرای اکرديته ی اتحادیه نزد واتیکان

گذاشته شد. بارگاه مقدس هدف های زیر را دنبال می کرد: تأکید بر سهم کلیساها و مذاهب در توسعه ی اروپا، تضمین مناسبات کلیسا- دولت به همان صورتی که درون دولت های عضو وجود دارند، تحکیم ریشه های مناسبات کلیسا- دولت در بطن حقوق جوامع، پیش گیری از هر نوع تبعیض میان کلیساها و مذاهب در مقایسه با دیگر جنبش های اجتماعی که تا به حال در مجامع مورد پذیرش قرار گرفته اند، حمایت از توانایی های دولت های عضو در مناسبات فعلی شان با کلیساها و مذاهب(5).

شورای وزیران اروپا با این بهانه که بارگاه مقدس عضو اتحادیه اروپا نیست به سند مزبور وقعی نگذاشت. در آن هنگام پاریس بر این نظر بود که هیچ گونه ارجاع به ارزش های دینی پذیرفتنی نیست چون مشکلات سیاسی و متعارض با قانون اساسی فرانسه به وجود می آورد. اما به نظر می رسد که امروزه مشکل برطرف شده است... به این ترتیب، گروه های فشار واپسگرا نبردی بی امان به راه انداخته اند تا امتیازهای کهنه شان را نجات دهند و نیروهای شان را سازماندهی می کنند تا به ایجاد اروپای مسیحی صورت تحقق ببخشند. ایتالیا و لهستان خواستار تأکید دقیق بر میراث مسیحی و اکتفا نکردن بر وجه دینی آنند. واتیکان در لابی گری هایش بر شورای کنفرانس های اسقفی اروپا (CCEE) که يك دفتر سیاسی نزد جامعه اروپا به نام کمیسیون اسقف های جامعه ی اروپا (Comece) در بروکسل دارد، تکیه می کند.

کمیسیون اخیر خواستار نهادینه شدن گفتمانی سازمان یافته با نهادهای اروپایی در چارچوب کنوانسیون اروپا از جمله در اجلاس های منظم کار و نیز «مشاوره ی پیش تقنینی» شده است. با توجه به این که انجمن ها فاقد وضعیت رسمی در سطح اروپا هستند، Comece از طریق تاسیس گروه هایی نظیر میگروروپ Migreurope که شبکه ای غیر رسمی از انجمن های- از جمله مسیحی- در باره ی پناهندگی و مهاجرت هستند، تخصص خود را به نمایش می گذارد (6).

در 1992، آقای ژاک دلور Jacques Delors که در آن موقع رئیس کمیسیون اروپا بود يك گروه غیر رسمی از مشاوران تشکیل داد (Forward studies unit) که وظیفه مشخص یکی از آنها بررسی امور دینی بود. نام این گروه که تحت مدیریت آقایان ژاک سانته و رومانو پرودی قرار داشت به گوپا (GOPA Group of policy advisors) تبدیل شد. به اعتقاد آقای پرودی، ادیان نقش مهمی در توسعه اتحادیه بازی می کنند(7). اکثر اعضای گوپا کاتولیک هایی هستند که فرایض دینی را به جای می آورند.

سازمان دیگری هست به نام کانون کاتولیک اروپایی (FCE) که تارهایش را بی سر و صدا در اتحادیه ی اروپا می تند. این سازمان را، در آغاز سال های 1960، عده ای از حقوق بگیران کاتولیک که در نهادهای اروپایی استخدام بودند، تاسیس کردند. این کانون در درجه اول يك مرکز روحانی بروکسلی است که ژرژوئیت ها آن را اداره می کنند و شامل يك نمازخانه است به نام شاپل سن بنوا که هر روز در آن مراسم دعاخوانی برای کارکنان اتحادیه برگزار می شود. این مرکز معنوی، در عین حال، محل تشکیل جلسات گروه های مختلف کار هم هست که به دنبال راه حل هایی برای مسایل سیاسی و اقتصادی اروپا می گردند.

کانون کاتولیک اروپایی (FCE) نقش مخزن اندیشه ها را ایفا می کند. آنجا محل مبادله افکار و مراودات مسؤولان سیاسی و کاتولیک های اروپا است. هر سال، فرستاده مخصوص واتیکان نزد نهادهای اروپایی- مقامی که هرگز به صورت رسمی مورد تأیید اتحادیه اروپا قرار نگرفته- ریاست جلسه همه ی ارگان های وابسته به کانون را بر عهده می گیرد. جلسه مزبور فرصت مناسبی است برای کسب اطلاع از فعالیت های لابی کاتولیک در داخل سازمان های اتحادیه اروپا که در جهت تعیین نمایندگان در هر يك از برنامه های اتحادیه صورت می پذیرد.

با این همه، هدف های مورد نظر مؤلفه های متعدد «خانواده ی کاتولیک» از تنوع زیادی برخوردار است. بارگاه مقدس در درجه نخست در تلاش ائتلاف با سیاست مردانی است که با دکترین اخلاقی پاپ موافق و طرفدار مسیحی سازی دوباره اروپا باشند. بخش عمده ی کار را دستگاه اداری پاپ در ارتباط با محارم و مؤتمدین شخصی اپوس دئی Opus Dei (تشکیلات کلیسا- م.) انجام می دهند. اعضای مازاد یا هوادار تشکیلات به قدر کفایت در این شورای خانوادگی نمایندگی می شوند.

اغلب در هنگام گفتگوهایی که بر سر برنامه های کمک به کشورهای جنوب در می گیرد مسأله پیش گیری حاملگی و وضعیت خانواده نیز مطرح می شوند. کلیسا با اتحادیه همکاری دارد و می تواند دیدگاه هایش را از ورای شبکه ای از تشکل ها و انجمن های کمک به توسعه انتشار دهد مانند: کاریتاس اروپا، بخش اروپایی همکاری بین المللی برای توسعه و همبستگی (Cidse)، کنفرانس اروپایی عدالت و صلح، فدراسیون اروپایی انجمن های ملی یاری به بی خانمان ها (Feantsa). فشارهایی که کلیسا در جریان بحث های قوه مقننه اعمال می کند با واکنش های پارلمانی فزاینده ای روبرو می شوند. چنین است که در فوریه 2002 ، 53 تن از نمایندگان اروپا، از احزاب گوناگون، علناً «مداخلات بارگاه مقدس در امر ازدواج و طلاق» را محکوم کردند.

طرح اساسنامه ی پیمان مخالفت بسیاری از انجمن های لاییک اروپایی را بر انگیزته است و اینان شناسایی «حق مداخله» به سود مذاهب را محکوم می کنند(8). شناسایی میراث مذهبی اروپا، در وهله ی اول، باعث ایجاد اعتبار برای ادیان در عرصه ی عمومی اروپا شده، به تبعیض میان دین داران و بی دینان منتهی خواهد شد.

به گفته ی نماینده ی پر شور رادیکال اروپا، منتخب ایتالیا، آقای مریتسیو تورکو Maurizio Turco ، «بحث بر سر این است که معلوم شود آیا اتحادیه بر پایه ی باورهای مذهبی بنا شده و میوه ی ناگزیر تاریخ ماست، یا آن که بیانگر انتخاب آزاد شهروندان آن به واسطه ی یک قرارداد اجتماعی تحول یابنده است. ما نمی توانیم بپذیریم که در قرن بیست و یکم می شود نهادهای سیاسی را بر اساس اعتقادات مذهبی به پا ساخت کرد، حتا اگر آنها اکثریت را تشکیل دهند(9)». نفوذ هواداران در دل نهادهای اروپایی، دریافت کمک های مالی را امکان پذیر کرده است. مثلاً در یک برنامه اروپایی به نام «روحی برای اروپا» یارانه ای به میزان 10000 یورو، در سال 1998، توسط یک مرکز فنلاندی موسوم به مرکز آموزش اروپایی بین فرهنگ ها واریز شد که طرح مقدماتی آن تامین مالی سمیناری در باره ی ارزش های اخلاقی و معنوی ادغام اروپا بود. در بادی امر، جایی برای انتقاد نیست. در حالی که همین مرکز ساخته ی اپوس دئی است و در فنلاند و کشورهای بالتیک دارای پایگاه مستحکمی هست.

مرکز آموزش در 1998 تأسیس شده است، یعنی یک سال پس از ایجاد سازمان در فنلاند. عالیجناب فیلیپ ژوردان عضو پیوسته ی اپوس دئی گرداننده اصلی این سمینار می باشد. او مسؤولیت بسط موضوع «ریشه های معنوی اتحادیه اروپا» را بر عهده داشت. دشوار می توان باور کرد که یک برنامه اروپایی در خدمت تأمین مالی سازمانی قرار بگیرد که فلسفه ی آن در تقابل کامل با هدف هایی باشد که در گذشته ژاک دلور و ژاک سانتیه تعریف کرده بودند: «رواداری و چند گرایی»، «احترام متقابل و قبول تفاوت های جنسیتی و مذهبی»، «همبستگی با مردمانی که بی چیز تر از همه هستند» و «آزادی بیان».

اپوس دئی، به تقاضای اکید رم، برای اروپا الویت قائل شده است. در 1993، از سخنگوی مرکزی این تشکیلات در رم، از آقای گیوسپه کوریلیانو Giuseppe Corigliano پرسیدند که آیا بارگاه مقدس، مأموریت خاصی را به اپوس دئی محول کرده است. او هم فریاد برآورد: «اروپا!» این تعهد بیشتر از هر جایی در زمینه ی جنسیت (سقط جنین و کنترل موالید) خود را نشان می دهد. در این مورد نیز اپوس دئی بر خلاف اصول و هدف های اتحادیه اروپا گام

بر می دارد. آن هم به یاری پولی که همین نهاد ها واریز کرده اند!

هزینه مالی اپوس دئی

در 1994، عالیجناب خاویر اچه واریا Javier Etchevarria، نماینده اپوس دئی در رم، اعضای سازمان را به ایجاد يك خط ماژینو علیه «خوشباشی» (هدونیسیم) غالب در اروپای غربی فراخواند. به موازات این جریان، انجمن هایی در سایه فعالند تا در داخل حکومت ها و نهادها نفوذ کنند. آنها برای رسیدن به اهداف شان کنفرانس های متعددی برگزار می کنند یا با افراد فعال ضد سقط جنین تماس می گیرند..

پروژه های متعددی وجود دارند که سازمان های وابسته به اپوس دئی ساخته و پرداخته اند اما از طرف اتحادیه اروپا تامین مالی می شوند. جمع آوری پول از طرف بنیاد لیما (سوئد)، بنیاد رن-دانوب (آلمان) و بنیاد ایتالیایی تعاون دانشگاهی (ICU) تحقق یافته است. این سه بنیاد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. با توجه به این که فعالیت اینان از طریق واسطه ها و سازمان های متعددی دنبال می شود، مسؤولان اروپا به دشواری می توانند تشخیص بدهند که کدام يك از میان آنان ممکن است در خدمت اپوس دئی قرار داشته باشد (10). بنابراین، کاملاً محتمل است که از طریق این گونه موازی کاری ها تشکیلات اپوس دئی چندین بار كمك مالی دریافت کنند، بی آن که کسی متوجه این قضیه شود!

بهترین نمونه ICU است که دفترهایی را در رم، بروکسل، بیروت، هنگ کنگ و مانیل باز کرده است. این بنیاد در تامین مالی دانشگاه های اپوس دئی نقشی تعیین کننده دارد. این بنیاد سازمانده و پشتیبان مالی (اسپانسر) «کنگره های سالانه ی محصلان و دانشجویان» است و اپوس دئی تلاش می کند در میان جوانان عضو گیری کرده آنها را به رم بفرستد. اتحادیه اروپا نیز پروژه های بنیاد را از نظر مالی تامین می کند.

بنیاد رن- دانوب، بنیاد لیما و آی- سی- یو در سطح جهان با یکدیگر همکاری می کنند، از جمله در فیلیپین. آنها در این کشور، در 1995، دانشگاه آسیا و اقیانوس آرام (University of Asia and the Pacific /UA&P) را ایجاد کرده اند و همه ی این ها باز هم به برکت كمك های اتحادیه اروپا (11).

جدا از اقدامات مستقیم اپوس دئی، گاه پیش می آید که اتحادیه ی اروپا، ندانسته، از پروژه هایی در سطح ملی حمایت می کند که از طرف سازمان های نزدیک به آن جریان پیش برده می شوند، مثلاً مرکز رمی الیس- ادوکدسیونه، لوورو، اینستروتسیونه، اسپورت، بنیاد خوابگاه های دانشگاهی بین المللی (FRUI) یا انجمن (بلژیکی) همکاری فرهنگی، فنی و پرورشی (Actec) که پول هم دریافت کرده است (795163 فرانک بلژیک در سال 1996- معادل 20000 یورو).

اقدام عاجل، در حال حاضر، مراقبت بر وجود شفافیت بیشتر در نحوه ی توزیع كمك های مالی در اروپا و نظارت بر جداسازی لائیک میان قدرت سیاسی و گزینه های مختلف معنوی و ایمانی است.

پی نوشت ها:

1- لوموند 2 دسامبر 2003. 185 انجمن از سرتاسر اروپا با امضای توماری خطاب به کنوانسیون اروپا خواستار لغو ماده 51 شدند.

2 www.catholicsforfreechoice.org - سخنرانی 11 اکتبر 1988 در برابر پارلمان اروپا

http://www.cerf.fr/catho/endit/europe/index.php در همین سایت می توانید خطبه های عبادی پس از

نشست مجلس اصحاب کلیسا «Ecclesia in Europa» به تاریخ 28 ژوئن 2003 را بخوانید.

3- در آلمان، کلیسا دومین کارفرمای کشور محسوب می شود و از امتیازهایی در زمینه حقوق کار بهره مند است.

4- نگاه کنید به مقاله ی فرانسوا هوتار «ژان پل دوم، يك پاپ محافظه كار و مدرن». لوموند دیپلماتيك، ژوئن 2002.

5- فدراسیون اروپایی انسانگرا www.humanism.be

6- ن. ك. Preserving power and privilege. www.catholicsforfreechoice.org

7- سخنرانی در بنیاد دن تونینو بلو 13 don Tonino Bello ژوئن 2003.

8- www.europe-et-laicite.org/archives2002/parlementaires.html

9- فدراسیون اروپایی انسانگرا www.humanism.be

10- نامه ی سرگشاده به کنوانسیون اروپا. چاپ توسط شبکه ولتر www.reseauvoltaire.fr

11- ن. ك. خوان گواتی سولو «يك قدیس فاشیست و فاسد». لوموند دیپلماتيك اکتبر 2002.

12- نمونه دیگری از اعمال نفوذ، شورای اروپا در سپتامبر 1998 جایزه اروپایی حقوق بشر را به کیارا لوبیک تقدیم کرد. او بنیان گذار جنبش نیرومند کاتوليك فوکولاری است و به شدت با سقط جنین و وجود زوج های هم جنس گرا مخالف است.

مترجم: ا. نادری

منبع: لوموند دیپلماتيك ژانویه 2004